اهمیت نماز جماعت

**تألیف:**

**دکتر عبدالله السکاکر**

**ترجمه:**

**مسعود انصاری تالش**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | اهمیت نماز جماعت | | | |
| **عنوان اصلی:** | اخي الكريم يا من فقدناه في صلاة الجماعة | | | |
| **تالیف:** | دکتر عبدالله السکاکر | | | |
| **ترجمه:** | مسعود انصاری تالش | | | |
| **موضوع:** | احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[سرآغاز 5](#_Toc391818534)

[مقدمه 7](#_Toc391818535)

[نماز جماعت 10](#_Toc391818536)

[فصل اول: حکم نماز جماعت 12](#_Toc391818537)

[1- سنت 13](#_Toc391818538)

[2- گفتاری از صحابه 15](#_Toc391818539)

[شبهه‌ای و پاسخ به آن 16](#_Toc391818540)

[فصل دوم: فضایل نماز جماعت 18](#_Toc391818541)

[1- آن اطاعت از خداوند متعال و رسول بزرگوار اوست 18](#_Toc391818542)

[2- آن جدایی از منافقان است 19](#_Toc391818543)

[3- نماز جماعت رشته‌ی پیوستگی و ارتباط مسلمانان را استحکام می‌بخشد: 19](#_Toc391818544)

[4- نماز جماعت برای کسی که نمی‌داند، تعلیم و برای کسی که می‌داند، یادآوری است 20](#_Toc391818545)

[5- نمازخواندن موجب خشم شیطان و یاران اوست 20](#_Toc391818546)

[6- نماز جماعت موجب کسب پاداش‌ها و نیکویی‌های بسیاری می‌شود که گزارنده‌ی نماز در خانه از آن بی‌بهره است 21](#_Toc391818547)

[7- نماز جماعت عاملی برای کسب سعادت ابدی است 23](#_Toc391818548)

[8- خواندن نماز در وقت آن 24](#_Toc391818549)

[9- نماز جماعت از اسباب خشوع است 25](#_Toc391818550)

[فصل سوم: ندایی به برادر مسلمان 27](#_Toc391818551)

[فصل چهارم: موانعی در مسیر توبه 30](#_Toc391818552)

[1- شیرینی خواب؟ 30](#_Toc391818553)

[2- سختی تو را باز می‌دارد؟ 31](#_Toc391818554)

[3- شیطان و وسوسه‌هایش؟ 31](#_Toc391818555)

[فصل پنجم: نویدهایی برای توبه‌کنندگان 32](#_Toc391818556)

[1- بخشایش گناهان و تکفیر بدی‌ها 32](#_Toc391818557)

[2- خداوند بدی‌های توبه‌کنندگان را به نیکی تبدیل می‌کند 32](#_Toc391818558)

[3- خداوند متعال توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد: 33](#_Toc391818559)

[4- محافظت این نمازها، از آن حیث که بدان ندا داده می‌شود که از نشانه‌های ایمان است 33](#_Toc391818560)

[عواملی که به پایبندی بر نماز جماعت کمک می‌کند: 34](#_Toc391818561)

[1- راستین‌بودن با خداوند 34](#_Toc391818562)

[2- دعا و تضرع به سوی خداوند پاک تا اسباب طاعت تو را آسان گرداند که نماز جماعت نیز از آن گونه است 35](#_Toc391818563)

[3- بهره‌گیری از اسباب مادی 35](#_Toc391818564)

[آثار ترک گناهان و معاصی 37](#_Toc391818565)

[این‌ها از جمله آثار ترک گناه و معاصی در دنیا بودند اما: 40](#_Toc391818566)

سرآغاز

یک صدا شدن در نیاز با پروردگار از زیباترین گونه‌های عبادت در قاموس بلند فرهنگ دینی است، که ما را در این مختصر مجال به تفصیل از آن سخن‌گفتن میسر نخواهد بود، پس بدین اندک بسنده می‌کنیم.

جماعت پاک‌ترین آرزوی دردمندان دینی در فرایند دعوت اسلامی است که بی‌پیرایه باید گفت، شکل راستین آن جز در عصر طلایی (آغازین) طلوع خورشید اسلام، خواستگاه این تأسیس بلند را زینت نبخشیده است، دوران نخستینی که بهترین شکل بندگی به وسیله­ی نمونه‌ترین صورت‌ها بر کرسی تحقق نشست و برای یک بار هم که شد اهریمنان را ناکام و عباد راستین رحمان را خشنود ساخت و موجبات رضایت پروردگار را فراهم نمود.

\*\*\*\*

آیا مسلمانان از خود پرسیده‌اند که صیغه‌های جمع آیه‌های ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦﴾ [الفاتحة: 5-6] چه حکمتی با خود دارند، آن‌ها از معنایی بلند پرده برمی‌دارند و آن این که مؤمنان باید هم‌دل و هم‌نوا باهم و یکپارچه، نیاز به درگاه «اله» آورند و به آستان قدسی‌اش سر تسلیم بر زمین نهند.

**\***\*\*\*

از آثار نماز جماعت می‌توان چیزهای فراوان برشمرد که ما مهمترین ثمره­ی آن یعنی پیوند قلب‌ها را یادآوری می‌شویم تا رهروان صدوق محمد دریابند که اگر طالب نمایش وحدت عمیق اسلامی هستند به صفوف نمازهای جماعت سبقت گیرند که ناخشنودی اهریمنان و نیک‌بختی مؤمنان در گرو آن است تا با توحیدِ قلوب، بنیانی مرصوص پدید آید و وسوسه‌های شیاطین مجال نفوذ در صفوف آنان را نیابد.

\*\*\*\*

در نهایت باید یادآور شوم که سیاق خطاب کتاب موجب نگردد که خواهران گرامی برآشوبند، مخاطب قراردادن مردان فقط به جهت آن است که تشکیل صفوف جماعت از مسئولیت‌هایی است که محبوب کریم بر عهده مردان نهاده است، اگرچه زنان نیز می‌توانند با رعایت شرایطی که فقیهان عنوان نموده‌اند قرین برادران مؤمن به جماعت نماز بگذارند، اما برآنان تکلیف نیست و بنابر ارشاد پیامبر گرامی برای آنان نیکوتر آن است که در خلوت‌خانۀ منزل با پروردگار خویش به عبادت نشینند که سرانجام پاداش آن کمتر از صفوف جماعت نخواهد بود.

امید است خداوند ایمان مردمان عصر نخستین اسلام را در قلوب مؤمنین جای دهد و صدای اذان و اقامه و جماعت عالمگیر شود و کلمه­ی علیای الهی نسخه­ی حیات پسینیان قرار گیرد تا در مسیر هدایت و رستگاری کامیاب شوند.

مسعود انصاری تالش

مقدمه

همانا حمد و سپاس بیکران مخصوص خداوند است، پس به بارگاه ربوبی‌اش سپاس از مقام مستعانش یاری از بحر بی‌گرانۀ رحمتش بخشایش و هدایت طالبیم و از شرور نفسانی و بدی‌های کردار خویش به قرب ایمن او پناه می‌بریم.

و کسی که او بر جبینش مهر هدایت زند، دیگری نخواهد توانست او را به گمراهی افکند و کسی که خداوندش گمراه سازد، کسی دیگر هدایتگرش نخواهد بود.

و گواهی می‌دهیم که معبودی جز ذات یگانه­ی او وجود ندارد، ذات یگانه‌ای که انبازی برای او نیست و محمد- که درود و بخشایش و رحمت فراوان خدا بر او و آل و اصحاب او و همه­ی کسانی که تا قیامت هدایت برگیرند و سنت گرانقدر او را میزان کردار خویش قرار دهند باد- بنده و فرستاده­ی اوست.

اما بعد:

در دینِ خداوند خود و دیگران را نصیحت و اندرزدادن بر هر مسلمانی واجب است، چنانکه پیام‌آور گرانقدر اسلام محمد می‌فرماید: «الدين النصيحة»([[1]](#footnote-1)). «دین نصیحت است». یاران عرض کردند: ای پیام‌آور الهی، برای چه کسی؟ فرمود: «لله، ولكتابه، ولرسوله ولأمة الـمسلمين وعامتهم»([[2]](#footnote-2)). یعنی: «برای خاطر خداوند، کتاب او، رسول گرانقدرش و پیشوایان و عموم مسلمانان».

جریر بن عبدالله، صحابی گرانقدر پیامبر راستین الهی می‌گوید: «بر اقامه­ی نماز، پرداخت زکات و اندرزگفتن به هر شخص مسلمانی با رسول خدا بیعت نمودم»([[3]](#footnote-3)).

با کمال تأسف باید این حقیقت را اقرار کنیم که در روزگار ما، یک امر ناپسند بزرگ، ترک نماز جماعت، خصوصاً در نماز صبح در میان مسلمانان شایع شده است و به علت انتشار این امر کار به جایی انجامیده که گروه بسیاری از مسلمانان ترک نماز جماعت را ناپسند نمی‌شمارند و حضور در صفوف نماز جماعت را واجب نمی‌دانند «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّـهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

با این حال، آنان برادران دینی و اعتقادی ما هستند و اندرزدادن آنان بر هر مسلمانی واجب است پس علیرغم قلت بضاعت خویش نیکو دیدم در این امر بزرگ شرکت جویم، بدان امید که خداوند کریم ما را نیز از زمره­ی دعوتگران به سوی خویش آمرین به معروف و بازدارندگان از منکر قرار دهد.

سعی ما در این نوشتار بر آن بوده است، حکم نماز جماعت، دلایل شرعی آن از قرآن کریم و سنت پاک نبوی و گفتار اصحاب رضوان الله علیهم اجمعین را از نظر بگذرانیم، سپس به شبهه‌ای پاسخ می‌گوییم، و بعد بعضی از فضایل نماز جماعت را بیان می‌کنیم، آنگاه ترک‌کنندگان این امر مشروع را مورد ندا قرار می‌دهیم و موانعی که تارکان را دامنگیر می‌شود، یادآور می‌شویم و توبه‌کنندگان را نوید می‌دهیم، آنگاه اسبابی که مسلمان را جهت حضور در صفوف نماز جماعت یاری می‌دهد، ذکر می‌کنیم.

تلاش ما بر این بوده است که روشی واضح و آشکار در پیش گیریم، تا این که برای همگان مفید افتد، اینک از بارگاه الهی به واسطه نام‌های نیکو و صفات عالیه‌اش خاضعانه خواهانم که نگارش این سطور را خالصانه برای کسب خشنودی و رضایت خویش و قابل استفاده برای دیگران قرار دارد و به بارگاه ربوبی‌اش مقبول افتد.

نیز از خداوند سبحان خواستارم، همه­ی کسانی را که به نحوی در چاپ و پخش این رساله­، شرکت داشته‌اند، جزای خیر عنایت کند که حضرتش بخشاینده‌ترین اجابت‌کنندگان و بهترین برآوردنده­ی نیازهاست و سلام و رحمتش بر محمد، بنده و فرستاده­ی او و همه­ی آل و اصحاب او باد.

نماز جماعت

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهداه وبعد:

برادر گرانقدر... و برادر حبیب من، ای کسی که تو را به هنگام ادای نماز با مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از ذکر الهی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیدگان در آن روز دگرگون می‌شوند، پروا دارند قرین نمی‌بینم.

برادر گرامی، ای کسی که در خوابی عمیق فرو رفته‌ای در حالی که «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ... حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بر بلندای مناره‌های مسجد در گستره­ی شهر و روستا اوج می‌گیرد، غفلت را از سر می‌پراند و به سوی مناجات با خداوند جهان در خانه‌هایی که حضرتش مجاز داشته است که بنا گردند تا نام مبارک او در آن یاد شود، فرا می‌خواند.

برادر جان... آیا می‌توانم آرزومند باشم به این که قلبت را برای این نوشتاری که یکی از برادران نصیحت‌گر و مهربانت می‌نویسد بگشایی؟

برادرم! ﴿إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ﴾([[4]](#footnote-4)) و به‌‌سوی سستی و تنبلی فرا می‌خواند، اما رحمت الهی کالایی بس گرانبهاست که تن پروران بدان نمی‌رسند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا سلعة الرحمن لست رخیصة |  | بل أنتِ غالیةٌ عن الكسالى |

یعنی: ای بخشایش گرانقدر خداوند بخشاینده، هرگز ارزان به کف نیایی، بلکه بر تن پروران بسی گران هستی.

یکی از بزرگان سلف را عادت بر این بود که در صورت مشتبه‌شدن حکم مسئله‌ای، اگر نفسش به سوی موردی مایل می‌شد، آن را رها می‌نمود.

اما تو ای برادر گرانقدر، امیدوارم که این رساله را به دور از هوا و خواسته­ی نفس از نظر بگذرانی، باشد که خداوند کریم آن را موجب نیک‌بختی من و تو و هر برادر خواننده دیگری قرار دهد.

پروردگارا، حقیقت را چنانکه هست برای ما نمایان ساز و به پیروی از آن توفیقمان ده و باطل را نیز چنانکه هست برای ما آشکار ساز و ما را جهت اجتناب از آن توفیق عنایت نما.

بار خدایا، ما را برای آسانی، آسان گردان و از مشکلی دور ساز

فصل اول:  
حکم نماز جماعت

نماز را در مساجد به جماعت‌گزاردن، بنابر نصوصی از کتاب الهی و سنت نبوی و گفتار صحابه -که خداوند از آنان خشنود باد- یکی از شعایر آشکار اسلامی است که مواردی از این نصوص را از نظر می‌گذرانیم.

الف: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡ﴾ [النساء: 102].

ترجمه: «و هرگاه تو در میان ایشان باشی، و نماز برای آنان برپا داری، باید گروهی از آنان با تو نماز برپا دارند، در حالی که اسلحه خویش را همراه گرفته باشند، پس در هنگامی که این گروه سجده را به انجام رسانیدند، باید پشت سر شما قرار گیرند (نماز را تمام کرده و به نگهبانی بایستند). و آنگاه گروه دیگری که هنوز نماز به جا نیاورده‌اند، می‌باید بیایند و با حضرتت به نماز بایستند و این‌ها هم باید هشیاری و اسلحه خویش را قرین داشته باشند».

خداوند متعال در این آیه­ی گرانقدر به پیامبرش دستور می‌دهد که در چنان هنگامه­ی بس دشواری که مسلمانان آماده می‌شدند تا با کفار هماورد شوند، همراه مؤمنان نماز را به جماعت بگذارد.

پروردگار عالم گروه مسئول حفاظت لشکر را محذور نمی‌دارد که نماز جماعت را ترک گویند، بلکه دستور می‌دهد که پس از فراغت گروه نخست، نماز را به جماعت بگذارند.

برادر مسلمانم، آیا گمان می‌بری، نماز جماعت در چنان حالت دشواری بر آنان واجب بوده، ولی بر کسی که در بستر نرم و راحت خویش با خیالی آسوده و خاطری مطمئن آرمیده است و از این پهلو بدان پهلو می‌غلتد، واجب نیست و معذور و معاف می‌باشد.

بی‌شک دین الهی از چنین تناقضاتی بس پاک و بدور است.

ب: خداوند سبحان می‌فرماید:

**﴿**وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣**﴾** [البقرة: 43].

ترجمه: «نماز را برپای دارید و زکات مقرره را بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان به رکوع درآیید».

برادر گرامی، عبارت گرانقدر الهی در نهایت آیه: ﴿وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾ به دلیل آن است، نمازی که در ابتدا بدان دستور داده شده است به قرین سایر نمازگزاران و در خانه­ی خدا به هنگام ندا دادن برای نماز، به پایه­ی تکمیل نمی‌رسد.

1- سنت

الف- بخاری و مسلم در صحاح خویش از ابوهریره روایت نموده‌اند که رسول خدا فرمود:

«أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ، وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا، وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِالصَّلَاةِ، فَتُقَامَ، ثُمَّ آمُرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِي بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزَمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ». یعنی: «دشوارترین نماز بر اهل نفاق نماز عشار و نماز فجر است، اگر می‌دانستند که در این دو نماز چه نهفته است، اگر به خزیدن هم بود، در این دو نماز حاضر می‌شدند، دوست می‌داشتم، مردم را به نماز دستور می‌دادم، سپس شخصی را مامور نمازخواندن با مردم می‌نمودم، آنگاه گروهی را حامل بسته‌های هیزم با خود می‌بردم و خانه‌های کسانی راکه در نماز جماعت حضور ندارند، به آتش می‌کشیدم».

در روایتی دیگر از امام احمد آمده است که آن حضرت آرزوی خود را به عدم وجود زنان و کودکان در خانه منوط نمود.

ای برادر گرامی، آیا نمی‌بینی که آن حضرت غایبین از نماز جماعت را به نفاق توصیف می‌کند و آیا اگر نماز جماعت واجبی محتوم نمی‌بود، بر قلب مبارکش این امر خطور می‌کرد که خانه‌هایشان را بر روی آن‌ها بسوزاند.

ب- امام مسلم در صحیح خویش از حضرت ابوهریره روایت نموده است که گفت: مردی نابینا به حضور رسول خدا رسید و عرض کرد: یا رسول الله، من کسی ندارم که تا مسجد مرا رهنمایی کند، از آن حضرت خواست بدو اجازه دهد تا در خانه نماز بگذارد، به او اجازه داد، ولی چون به قصد رفتن روی گرداند، او را فرا خواند و فرمود: **«**هل تسمع النداء بالصلاة؟» یعنی: آیا صدای اذان را می‌شنوی؟

آن مرد گفت: آری، رسول خدا فرمود: «فأجب» یعنی: پس اجابت کن([[5]](#footnote-5)).

در روایت دیگری از امام ابوداود وارد شده است که آن مرد گفت: «من مردی نابینا هستم و خانه‌ام دور است...»([[6]](#footnote-6)).

در روایت دیگری از امام ابوداود و نسایی آمده است که آن مرد نابینا گفت: یا رسول الله، در راه حیوانات درنده و خطرناکی وجود دارد.

برادرم... آیا گمان می‌بری، نماز جماعت بر آن صحابیِ محروم از نعمت بینایی که خانه‌اش در مسافت دوری از مسجد واقع است، از یاور و رهنمای برخوردار نیست تا او را رهنمون شود و از خطرات مسیر در هراس است، واجب است...!.

اما بر شخص بینایی که خانه‌اش در جوار مسجد است و به هنگام هر نمازی شاید از بیست مناره می‌شنود که ندا داده می‌شود، **«**حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ**»** واجب نیست...!!!.

2- گفتاری از صحابه

أ- امام مسلم در صحیح خویش از عبدالله بن مسعود روایت نموده است که گفت: «اگر کسی شادمان می‌گردد از این که در فردای قیامت مسلمان به حضور پروردگار عالم برسد، پس همواره باید در جایی که بدان ندا داده می‌شود، مواظب نمازهای خود باشد، خداوند کریم سنن هدایت را برای پیامبر شما قانونگذاری نمود، برگزاری نمازها نیز جزء سنن هدایت هستند، اگر همچون این شخص مختلف شما نیز در خانه‌هایتان نماز بگذارید، سنت پیامبرتان را رها کرده‌اید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید، به یقین گمراهی را به آغوش پذیرفته‌اید...

در میان ما جز کسی که نفاقش آشکار بود، از نماز جماعت تخلف نمی‌ورزید، حتی مردی چنان برای اقامه­ی نماز جماعت می‌آمد که به وسیله­ی دو نفر آورده می‌شد تا بتواند در صف بایستد».

ب- بخاری در صحیح خویش از ام الدرداءل روایت نموده است که گفت: ابوالدردا به نزد من می‌آمد، در حالی که نگران بود، علت نگرانی او را پرسیدم، گفت: قسم به خدا باد، چیزی از امت محمد نمی‌شناسم، مگر این که نمازهایشان را به جماعت می‌خوانند.

ج- از حضرت ابن عباسب پیرامون شخصی که شب‌ها را زنده می‌دارد و روزها را روزه می‌گیرد، اما در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی‌کند پرسیده شد، فرمود: او در آتش است!!.

د- ابن عمر ب می‌گوید: وقتی شخصی را در جماعت نماز عشاء و صبح نمی‌دیدیم نسبت به او بدگمان می‌شدیم برادر مسلمان من، آیا پس از ذکر همه­ی این دلایل باز خود را مجاز می‌دانی که در صورت شنیدن ندای اذان در خانه نماز بگذاری؟!.

شبهه‌ای و پاسخ به آن

گروهی از مردمان به حدیثی که از عبدالله بن عمرب در صحیحین بخاری و مسلم آمده است، چنین استدلال می‌کنند که آن حضرت فرموده است: «صَلاَةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلاَةِ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً». یعنی: «گزاردن نماز به جماعت از گزاردن به تنهایی آن 27 مرتبه برتر است».

پس قایل به برتری‌شدن در بین دو امر دلالت می‌کند که هردو نیکو هستند ولی یکی از دیگری نیکوتر است.

در پاسخ باید گفته شود، ممکن نیست که بین سنت‌های ثابت شده از آن حضرت تعارضی وجود داشته باشد.

پیش از این ثابت شد که آن حضرت متخلفین از حضور در نماز عشاء و صبح را به صفت نفاق توصیف نمود و حتی آرزو نمود که چنین افرادی در آتش سوزانده شوند.

نیز ثابت شد که آن حضرت مردی را که نابینا بود و رهنمایی نداشت و خانه‌اش هم دور بود و از حیوانات درنده مسیر نیز هراس داشت، مجاز ندانست که جماعت را ترک گوید.

اکنون حدیث ابن عمر ب را می‌توان چنین پاسخ گفت که:

1- می‌توان حدیث پیش گفته را به شخصی که معذور است مربوط دانست، بدین معنی که: نماز جماعت بر نماز شخص معذوری که به تنهایی نماز می‌گذارد، 27 مرتبه فضیلت دارد.

2- نیز صرف تفضیل قایل‌شدن به مفهوم جواز تفضیل داده شده نیست، حتی ممکن است بر حرمت آن دلالت کند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾ [الجمعة: 9].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید: چون بانگ اذان برای نماز روز جمعه ندا داده شود، به سوی یادکردن خداوند بشتابید و بیع را رها سازید، اگر دریابید این برای شما بهتر است».

ملاحظه می‌شود که خداوند متعال پس از امر به اقامه­ی نماز جمعه آن را بهتر و نیکوتر از خرید و فروش قرار داده است، در حالی که بدیهی است رفتن نماز جمعه «واجب» و انجام خرید و فروش در زمان اقامه نماز جمعه «حرام» است.

همچنین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡ﴾ [النور: 30].

یعنی: «ای پیامبر، مؤمنان را بگو که چشمان خود را از نگاه‌های ناپسند پایین آورند، و شرمگاه‌های خویش را حفظ کنند که چنین کردن برای آن‌ها پاک‌تر است».

ملاحظه می‌شود که خداوند نگاه ناپسند نکردن و حفظ شرمگاه را بر چنین ناکردن تفضیل داده است، در حالی که نیک آشکار است که مورد دوم «حرام» است.

فصل دوم:  
فضایل نماز جماعت

برادر مسلمانم، نماز جماعت فضایلی بزرگ و پاداش‌هایی فراوان با خود دارد که مؤمن پرواپیشه را وا نمی‌گذارد که آن را ترک گوید، اگرچه به استحباب آن نظر داشته باشد در حالی که پیش از این وجوب آن را دریافتیم.

پس گونه‌هایی از این فضایل را برای برادر گرانقدرم یادآور می‌شوم:

1- آن اطاعت از خداوند متعال و رسول بزرگوار اوست

بی‌شک همه­ی نیکویی‌ها و نیکبختی‌ها، در دنیا و آخرت در پیروی از خداوند متعال و پیامبر او نهفته است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: 71].

یعنی: «هرکس از خداوند متعال و پیامبر او اطاعت کند به رستگاری و توفیق بزرگی نایل آمده است».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ٦٩﴾ [النساء: 69].

یعنی: «چون کسانی از خداوند و پیامبرش اطاعت کنند، پس همراه کسانی از پیامبران، صدیقین، شهیدان و نیکوکرداران خواهند بود که خداوند برایشان نعمت‌ها ارزانی داشته است و اینان بس نیکو رفیقانی هستند».

2- آن جدایی از منافقان است

از حضرت ابوهریره روایت شده است که گفت رسول خدا فرمود: «أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْـمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ، وَصَلَاةُ الْفَجْرِ»([[7]](#footnote-7)). یعنی: «دشوارترین نمازها بر منافقان نماز عشاء و نماز صبح است».

همچنین از حضرت عبدالله بن مسعود روایت شده است که فرمود: در میان ما جز منافقی که نفاقش آشکار بود از نماز جماعت تخلف نمی‌ورزید.

چنانکه پیش از این یادآور شدیم عبدالله بن عمر ب می‌فرماید: «اگر کسی را در جماعت نماز عشاء و صبح نمی‌دیدیم نسبت به او گمان بد می‌بردیم. (یعنی: او را به نفاق متهم می‌کردیم).

برادر جان، این حکایت کسی است که از حضور در صفوف جماعت عشاء و صبح تخلف می‌ورزد، اما حکایت کسی که اصلاً در مسجد دیده نمی‌شود، چگونه است؟

3- نماز جماعت رشته‌ی پیوستگی و ارتباط مسلمانان را استحکام می‌بخشد:

برادر گرامی، به جماعت نمازگزاردن در مساجد از قوی‌ترین عواملی است که موجب ایجاد محبت و الفت بین مسلمانان می‌گردد.

برادر محبوب، سوگند به خدا باد، چون مسلمانی در مسجد به برادر مسلمانش سلام می‌گوید- در حالی که او را نمی‌شناسد- از گرمی احساس و گشادگی چهره و دست در دستش نهادنش چنان احساس می‌کند که سالیان درازی است که او را می‌شناسد!!.

آن حضرت به هنگام مرتب‌نمودن صفوف اصحاب بدانان فرمود: «استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم**»** یعنی: «مرتب و راست بایستید، مختلف و نامرتب نباشید که در آن صورت دل‌هاتان از هم جدا می‌شود».

برادر دینی من، نظم و هماهنگی و چسباندن شانه‌ها به هم در صفوف نماز جماعت و همسازی قدم‌ها موجب می‌گردد که دل‌ها با رشته‌هایی از عواطف خالص و پاک ایمانی به هم پیوند خورد.

4- نماز جماعت برای کسی که نمی‌داند، تعلیم و برای کسی که می‌داند، یادآوری است

حضور شخصی که نسبت به مسایل دینی ناآگاه و یا کم‌اطلاع است موجب می‌شود که از برادران مسلمانس نصایح و ارشادات لازم و مفید را بشنود.

نیز با نگریستن به کیفیت نماز اهل علم، خطاها و اشتباهات خود را اصلاح می‌کند، چه بسا مردمان بسیاری که به سبب دوری از جماعت و مسجد در نماز خواندن اشتباهات بسیاری دارند.

5- نمازخواندن موجب خشم شیطان و یاران اوست

بی‌شک یکی از اموری که برای ابلیس (دور مانده از رحمت الهی) ناخوشایند است، گزاردن نماز در مساجد به جماعت و ذکر خداوند می‌باشد و این بدان جهت است که بر بزرگی پاداش جماعت و تأثیر آن در زیادت ایمان و نزدیکی به خداوند وقوف دارد.

حکایت یارانِ منافق شیطان که از ذکر و نماز باز می‌دارند، نیز چون حکایت خود اوست و چون کسی به هنگام شنیدن اذان از نمازهای خویش محافظت کند، در حقیقت ابلیس و یارانش را ناکام نموده است.

از سویی دیگر چون کسی از نماز جماعت کوتاهی کند، در حقیقت شیطان بر او چیره شده است، از حضرت ابوالدرداء روایت شده است که گفت: شنیدم رسول خدا می‌فرمود: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ، فَعَلَيْكَ بِالْـجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذِّئْبُ الْقَاصِيَةَ»([[8]](#footnote-8)). یعنی: «اگر سه نفری که در روستا و صحرایی هستند و نمازشان به جماعت گزارده نشود، در حقیقت شیطان بر آن‌ها چیره گشته است، پس شرکت در نماز جماعت بر شما ضروری است که گرگ بره­ی جداشده از گله را می‌خورد».

6- نماز جماعت موجب کسب پاداش‌ها و نیکویی‌های بسیاری می‌شود که گزارنده‌ی نماز در خانه از آن بی‌بهره است

چنانکه حضرت ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: «صَلاَةُ الرَّجُلِ فِي الجَمَاعَةِ تُضَعَّفُ عَلَى صَلاَتِهِ فِي بَيْتِهِ، وَفِي سُوقِهِ، خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا، وَذَلِكَ أَنَّهُ: إِذَا تَوَضَّأَ، فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى المَسْجِدِ، لاَ يُخْرِجُهُ إِلَّا الصَّلاَةُ، لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً، إِلَّا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، فَإِذَا صَلَّى، لَمْ تَزَلِ المَلاَئِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ، مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، وَلاَ يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلاَةٍ مَا انْتَظَرَ الصَّلاَةَ»([[9]](#footnote-9)). یعنی: «نمازگزاردن به جماعت 25 برابر با ارزشتر از به تنهایی‌گزاردن در خانه یا محل کسب است، این بدان جهت است که هرگاه مسلمانی به خوبی وضوء بگیرد، آنگاه به سوی مسجد رهسپار شود، در حالی که فقط برای کسب خشنودی خداوند برای نماز خارج شده باشد، هر قدمی که برمی‌دارد به همان میزان بر درجات اعمال نیک او افزوده می‌شود و به همان اندازه از خطاهایش کاسته می‌شود، و از زمانی که به نماز می‌ایستد، تا هنگامی که در مسجد است، فرشتگان رحمت پیوسته براو درود و رحمت می‌فرستند و از بارگاه الهی می‌خواهند که: «بار خدایا بر او درود فرست و رحمت عنایت کن». انتظار نماز جماعت نیز در حکم اقامه­ی آن است».

آن حضرت هنگامی که بنی سلمه می‌خواستند به مسجد نزدیک شوند فرمود: «دياركم تكتب آثاركم» یعنی: زمین زیر پاهایتان قدم‌هایی را که جهت آمدن به مسجد برمی‌دارید به عنوان نیکویی می‌نویسد، از عثمان بن عفان نقل شده است که پیامبر اکرم فرمود: «مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ، وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ»([[10]](#footnote-10)). یعنی: «چون کسی نماز عشاء را به جماعت گزارد، چون کسی است که نصف شب را برای عبادت بیدار بوده است، و چون کسی نماز صبح را به جماعت گزارد چنان است که تمام شب را بیدار بوده است».

از ابوهریره روایت شده است که رسول خدا فرموده است: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهِمُوا»([[11]](#footnote-11)). یعنی: «اگر مردمان می‌دانستند که اذان و صف اول چه نیکویی‌هایی با خود دارد، برای رسیدن به صف اول جز قرعه‌کشی راهی باقی نمی‌ماند و قرعه انداخته می‌شد».

بریده از رسول خدا روایت نموده است که فرمود: «بَشِّرِ الْـمَشَّائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْـمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**»**. یعنی: «آنان را که در تاریکی‌های شب قدم در راه مساجد می‌نهند، به نور تمام و کامل در قیامت نوید دهید».

از انس روایت شده است که رسول خدا فرمود: «مَنْ صَلَّى الغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّـهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ**»**([[12]](#footnote-12)). یعنی: «اگر کسی نماز صبح را به جماعت بگزارد، سپس تا طلوع آفتاب به ذکر خداوند مشغول شود، آنگاه دو رکعت نماز بجا آورد، پاداشی معادل حج و عمره برای او خواهد بود».

در ادامه می‌گوید رسول خدا فرمود: «تامةٍ، تامةٍ، تامةٍ» یعنی: «پاداشی کامل، کامل و کامل به او داده خواهد شد».

برادر محبوب من، آیا می‌دانی آنانکه از حضور در صفوف نماز جماعت سرپیچی می‌کنند، چه غنایم و پاداش‌هایی را از کف می‌دهند؟

7- نماز جماعت عاملی برای کسب سعادت ابدی است

چنین توفیقی آنگاه حاصل می‌شود که وقتی شخصی مسلمان وارد یکی از این مساجد شد، چه بسا دعای یکی از برادران نمازگزارش در حق او مستجاب شود که موجب گشوده‌شدن درهای رحمت الهی باشد، یا این که موجب گردد، رحمت الهی او را قرین این نمازگزاران در برگیرد و به واسطۀ آن همگی به نیکبختی جاودانه دست یابند.

در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره روایت شده است که رسول خدا فرمود: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّـهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّـهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْـمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّـهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ». یعنی: «هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا گرد آیند، تا کتابش را بخوانند و آن را به یک دیگر بیاموزند آرامش و سکینه­ی الهی بر آنان فرود می‌آید و رحمت الهی آن‌ها را در بر می‌گیرد و ملائکه پیرامونشان حلقه می‌زنند و خداوند متعال آنان را در میان نزدیکان درگاه خویش یاد می‌کند».

از ابوهریره روایت شده است که رسول خدا فرمود: «إِنَّ لِلَّـهِ مَلاَئِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّـهَ تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ قَالَ:فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيُنَادِي لَـهُمّ رَبُّهُمْ عَزَّوجَلَّ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ تَقُولُ: يُسَبِّحُونَكَ وَيُكَبِّرُونَكَ وَيَحْمَدُونَكَ وَيُمَجِّدُونَكَ... فَذَكَرَ الحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ: فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ: يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْـمَلاَئِكَةِ: فِيهِمْ فُلاَنٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ: هُمُ الْـجُلَسَاءُ لاَ يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ**»**. یعنی: «خداوند دارای فرشتگانی است که می‌گردند و یادکنندگان خدا را می‌جویند، اگر آنان را بیابند، همدیگر را فرا می‌خوانند: «به سوی کسانی بشتابید که در پی آنان بودید». در ادامه رسول خدا می‌فرماید: «آن فرشتگان آن‌ها را با بال‌های خویش تا آسمان دنیا در پرتو خود می‌گیرند، سپس پروردگارشان که از آنان نسبت به حال مؤمنان آگاه‌تر است، می‌پرسد: بندگانم چه می‌گویند؟ فرشتگان در پاسخ عرض می‌کنند: «پروردگار آنان به تسبیح و تکبیر و تحمید و تمجید حضرتت نشسته‌اند».

ابوهریره س این حدیث را دنبال نموده تا جایی که پیامبر در ادامه می‌فرمایند: «خداوند می‌فرماید: پس ای گروه فرشتگان گواه باشید که من آنان را بخشودم.

سپس یکی از ملائکه می‌گوید: فلانی در بین آن‌ها هستند؟!.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آنان همنشین هستند و همنشین آنان به بدبختی گرفتار نخواهند آمد.

برادر گرامی، مسلمان خردمند را شایسته است که خود را در مسیر رحمت‌های خداوند رحمان قرار دهد، باشد که خداوند در قیامت او را در زمرۀ نجات‌یافتگان محسوب دارد.

8- خواندن نماز در وقت آن

برادر گرامی، از محبوبترین کردارها در نزد خداوند سبحان گزاردن نماز در سر وقت آن است، ابن مسعود از رسول خدا پرسید، چه کاری در نزد خداوند دوستداشتنی‌تر است؟ آن حضرت فرمود: «الصَّلاَةُ عَلَى وَقْتِهَا» یعنی: «گزاردن نماز در سر وقت آن».

چنانکه گزاردن نماز در سر وقت محبوب‌ترین امور در نزد پروردگار عالم است، تأخیرانداختن آن نیز از گناهان بزرگ محسوب می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥﴾ [الماعون: 4- 5].

یعنی: «وای بر نمازگزاران، نمازگزارانی که از نمازهایشان غفلت می‌ورزند».

دانشمندانی چون مسروق، نخعی و ابوالعالیه در خصوص این آیه گفته‌اند: «آنان کسانی هستند که وقت نماز را به تأخیر می‌اندازند».

بی‌شک نماز را به جماعت گزاردن از مهمترین عواملی است که انسان توفیق خواندن به موقع نماز را می‌دهد.

نمازگزاران در خانه اغلب به موقع نماز نمی‌خوانند.

9- نماز جماعت از اسباب خشوع است

برادر مسلمانم! خشوع، روح و ثمره­ی نماز است، چون نماز ارتباط بین بنده با پروردگارش است و این ارتباط به پایه­ی تکمیل نمی‌رسد، تا زمانی که نمازگزار قلب و جوارح خویش را قرین خشوع نسازد همانا خداوند پاک خاشعین را به رستگاری وعده داده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢﴾ [المؤمنون: 1-2].

«به راستى كه مؤمنان رستگار شدند \* آنان كه در نمازشان خاشع‌اند».

برادر! نماز شخص همراه با جماعت از مهمترین عواملی است که او را برای رسیدن به خشوع یاری می‌دهد، بدان سبب که مسلمان چون وارد مسجد می‌شود از مشاغل دنیوی کناره می‌گیرد، نیز در این مسجد مگر آنان را که سوی خداوندشان روی کرده‌اند و در قبال درگاه بلندش در حال قیام، رکوع و سجده می‌باشند و او را یاد می‌کنند و کتاب گرانقدرش را می‌خوانند.

همه­ی این‌ها با او چنان می‌کنند تا احساس کند که میدان، میدان پیشی‌گرفتن به سوی خدا و بهشت‌های جاودانه­ی اوست و پیشی‌گیرندگان همان کسانی هستند که با راستی و کوشش به سوی خداوند روی کرده‌اند.

و این وضعیت او را وا می‌دارد که با قلب و جوارح خویش به سوی خدا روی نهد و در اطاعت پروردگار خویش به جهت آن که نامش را در زمره­ی فروتنان و خاشعان رستگار بنویسد، تلاش می‌کند.

فصل سوم:  
ندایی به برادر مسلمان

برادر محبوب من، بی‌شک کسی که حکم نماز جماعت و نیکویی‌های آن و پاداش‌هایی را که به ترک‌کنندگان آن داده نمی‌شود و عواقب و سرانجام بدی که دامنگیر آنان می‌شود را دریابد، دچار تردید نخواهد شد که در معرض خطری بزرگ است و گناه به کف آورده است که اگر به توبه‌ای راستین توفیق نیابد، به هلاکت خواهد افتاد.

برادر گرانقدر، ای کسی که نماز جماعت را ترک می‌کنی، خداوند بخشاینده و مهربان تو را به سوی توبه فرا می‌خواند تا این که گناهان تو را مورد بخشایش قرار دهد و بدیهایت را بپوشاند.

ای برادر من، آیا زمان پشیمانی و ندامت از گناهان و بدی‌ها فرا نرسیده است؟

چنانکه خداوند بخشاینده می‌فرماید:

﴿أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ**﴾** [الحدید: 16].

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زمان آن فرا نرسیده است که قلب‌هایشان به ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟».

ای کسی که بر نَفس و وجود خویش ظلم و ستم روا داشتی و راه گناه در پیشی گرفتی، از رحمت بیکران الهی ناامید مشو، چون که پروردگارت می‌فرماید:

﴿ قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣﴾ [الزمر: 53].

«بگو ای بندگان من که بر خویشتن اسراف و ستم روا داشتید از رحمت خداوند مأیوس نشوید، به راستی که خداوند تمام گناهان را می‌بخشد و همانا او غفور و رحیم است».

برادر من، تو را پروردگاری بسیار نیکو و بخشنده است که از توبه‌ات بسیار خشنود می‌گردد، پس با رغبت روی به سوی او آر. چون کسی به او روی آورد، دچار خسران و زیان نمی‌گردد.

رسول خدا می‌فرماید: «لَلَّـهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ أَحَدِكُمْ، مِنْ أَحَدِكُمْ بِضَالَّتِهِ، إِذَا وَجَدَهَا»([[13]](#footnote-13)). یعنی: «چون یکی از شما توبه می‌کند، خوشحالی خداوند بسی افزون‌تر از کسی است که گم شده‌اش را باز می‌یابد».

برادر عزیز، بردباری خداوند بسی گسترده‌تر از اصرار تو بر گناه است و رحمت او بزرگتر از گناه توست.

برادر عزیز، خداوند بخشایشگر دست خود را به هنگام شب باز می‌گشاید تا توبه­ی بدکار روز را بپذیرد و به هنگام روز نیز چنان می‌نماید تا از گنهکار شب درگذرد.

برادر عزیز، آیا قبل از آن که بین تو و توبه حجاب افتد به سوی پروردگار خویش باز نمی‌گردی؟

برادر عزیز، پافشاری‌کردن بر گناهان سرانجام شری در پی دارد، چه! گناهان اشخاصی بزرگ و شخصیت آن‌ها را چنان می‌کند که قلبش را می‌میراند، سپس موجب می‌شوند که به جهنم وارد شوند.

بدین فرموده­ی الهی گوش فرا ده که می‌فرماید:

﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤﴾ [المطففین: 14].

یعنی: «حاشا، بلکه به واسطه آنچه خود می‌کردند بر قلب‌هایشان زنگار چیره شد».

برادر عزیز، آیا از این که خداوند متعال جان تو را در شبی بگیرد که در فردایش قصد نمازخواندن نداری، شادمان می‌شوی؟

برادر عزیز، برای کسی که بر زمان مرگ خویش وقوف ندارد، زیبنده نیست که توبه را لحظه‌ای به تاخیر اندازد.

برادر عزیز، باید بدانی:

**﴿**مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَا**﴾** [الإسراء: 15].

یعنی: «هرکس که هدایت یابد، به سود خود او خواهد بود و چون کسی گمراه شود، آن نیز به ضرر شخص او خواهد بود، پس خود می‌دانی راه خود، خود برگزین».

فصل چهارم:  
موانعی در مسیر توبه

برادر گرانقدر، چه چیزی تو را از نماز جماعت باز می‌دارد؟

1- شیرینی خواب؟

در لذتی که سرانجام آن حسرت و پشیمانی باشد، بهره‌ای نهفته نیست.

از حضرت انس بن مالک روایت شده است که گفت: رسول خدا فرمود:

«يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً، ثُمَّ يُقَالُ: يَا ابْنَ آدَمَ هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا، وَاللهِ يَا رَبِّ»([[14]](#footnote-14)). یعنی: «در روز قیامت بهره‌مندترین مردمان از نعمت‌های دنیا از میان جهنمیان آورده می‌شود، یک بار در آتش فرو برده می‌شود، سپس به او گفته می‌شود؛ ای فرزند آدم، آیا هرگز خیری دیده‌ای؟ آیا هرگز به تو نعمت‌هایی رسیده است؟ می‌گوید: پروردگارا، قسم به جلال تو، نه...».

برادر عزیز، این حکایت منعم‌ترین اهل دنیاست، پس حکایت آنان که پایین‌تر از اویند، چگونه است؟

آیا لذت یک لحظه دنیا را بر لذت جاودانه در جایگاه راستین در نزد حاکم مقتدر جهانیان ترجیح می‌دهی؟

2- سختی تو را باز می‌دارد؟

برادر عزیز، بی‌شک خارج‌شدن از خانه و پیوستن به صفوف نماز جماعت سختی‌هایی همچون سرما و گرما و غیره به دنبال دارد، اما آیا بین گرمای تابستان و شراره‌های آتش جهنم و میان سردی زمستان و زمهریر جهنم مقایسه نموده‌ای؟

3- شیطان و وسوسه‌هایش؟

برادر عزیز، آیا خود را تسلیم دشمن می‌کنی، تا تو را به آتش افکند؟

**﴿**عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ**﴾** [فاطر: 6].

یعنی: «او پیروان خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنّم شوند».

برادر محبوب من، کسی که از نماز جماعت تخلف ورزد، در حقیقت شیطان بر او چیره شده است و او را از یاد خدا غفلت افکنده است.

رسول خدا می‌فرماید: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ: فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذِّئْبُ الْقَاصِيَةَ**»**([[15]](#footnote-15)). یعنی: «هرسه نفری که در روستا و صحرایی هستند، اگر نمازشان را به جماعت نگذارند، جز این نیست که شیطان بر آنان چیره شده است، پس بر تو واجب است که در نماز جماعت شرکت کنی، پس همانا گرگ برۀ جدامانده از گله را می‌خورد».

فصل پنجم:  
نویدهایی برای توبه‌کنندگان

بشارت بر برادر توبه­ی‌کننده باد که سرانجام توبه پسندیده و بهره‌اش پاکیزه است که نمونه‌هایی از آن را از نظر می‌گذارنیم:

1- بخشایش گناهان و تکفیر بدی‌ها

خداوند کریم می‌فرماید:

**﴿**وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٢٥**﴾** [الشوری: 25].

یعنی: «او همان خدایی است که از بندگانش توبه می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و بدانچه انجام می‌دهید وقوف کامل دارد».

2- خداوند بدی‌های توبه‌کنندگان را به نیکی تبدیل می‌کند

اگر کسی راستین توبه کند و کرداری شایسته انجام دهد.

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

**﴿**إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٧٠**﴾** [الفرقان: 70].

یعنی: «اگر آنان که توبه کنند، ایمان آرند و کردار شایسته انجام دهند، آنانند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند، و خداوند در همه حال غفور و رحیم است».

3- خداوند متعال توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد:

خداوند کریم می‌فرماید:

**﴿**إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ**﴾** [البقرة: 222].

یعنی: «خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

4- محافظت این نمازها، از آن حیث که بدان ندا داده می‌شود که از نشانه‌های ایمان است

خداوند پاک و منزه می‌فرماید:

**﴿**إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ**﴾** [التوبة: 18].

«جز این نیست، کسانی مساجد خداوند را آباد می‌کنند به خداوند و روز قیامت ایمان دارند».

عواملی که به پایبندی بر نماز جماعت کمک می‌کند:

بعضی از این عوامل شرعی و برخی دیگر مادی هستند که بارزترین آن‌ها را از نظر می‌گذارنیم:

1- راستین‌بودن با خداوند

کسی که در توبه و رغبتش در پایبندی به نماز جماعت راستین باشد، خداوند او را بدانچه که می‌خواهد می‌رساند.

پروردگار عالم می‌فرماید:

**﴿**فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ**﴾** [محمد: 21].

یعنی: «اگر با خداوند راستین باشند، برای ایشان نیکوتر بود».

نیز در حدیثی قدسی آمده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي»([[16]](#footnote-16)). یعنی: «حکایت من با بنده‌ام چنان است که او در مورد من گمان می‌برد».

رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ اللهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ، بَلَّغَهُ اللهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ»([[17]](#footnote-17)). یعنی: «چون کسی شهادت را با قلبی راستین از خداوند بخواهد، آن حضرت او را به مقام شهیدان می‌رساند، اگرچه در بستر بمیرد».

رسول خدا به بادیه‌نشینی که شهادت از خدا می‌خواست فرمود: «إِنْ تَصْدُقِ اللَّـهَ يَصْدُقْكَ». یعنی: «اگر با خداوند راستین باشی، خداوند تو را بدان مقام خواهد رساند».

2- دعا و تضرع به سوی خداوند پاک تا اسباب طاعت تو را آسان گرداند که نماز جماعت نیز از آن گونه است

بهترین گونه­ی دعایی که مسلمان می‌تواند بدان دعا کند وصیتی است که محمد به حبیب خود- معاذ بن جبل - توصیه نمود: آنگاه که بدو فرمود: «يَا مُعَاذُ! وَاللَّـهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ، وَاللَّـهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ، فَقَالَ: أُوصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»([[18]](#footnote-18)). یعنی: «ای معاذ قسم به خدا باد، تو را دوست می‌دارم، قسم به خدا باد تو را دوست می‌دارم، تو را به موردی توصیه می‌کنم که بعد از هر نمازی آن را فرو مگذار. بگو: خدایا مرا بر ذکر، شکر و نیکو عبادت‌کردن حضرتت یاری ده».

3- بهره‌گیری از اسباب مادی

هر مسلمانی ناگزیر است که از وسایل شرعی و مادی استفاده کند تا به مطلوب خویش دست یابد، بعضی از اسباب مادی از قرار زیر است:

الف= به موقع خوابیدن به ویژه به هنگام تابستان

ب= استفاده از وسایل بیدارکننده همچون ساعت زنگ‌دار

ج= نخوابیدن قبل از وقت نماز

د= توصیه‌نمودن افراد خانواده و احیاناً همسایگانی که نیکو کردارند، برای این که تو را جهت نماز بیدار کنند.

هـ= مجاهدت با نفس و به خواب سنگین‌رفتن

برادر گرامی، در پایان این رساله این فرموده­ی الهی را یادآور می‌شوم:

**﴿**وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَا**﴾** [الکهف: 49].

یعنی: «می‌گویید: وای بر ما این نامه­ی اعمال را چه شده است که اعمال ما را از کوچکترین تا بزرگترین به حساب آورده است».

و نیز می‌فرماید:

**﴿**وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١**﴾** [الإنفطار: 10- 11].

یعنی: «بر شما فرشتگانی از نویسندگان گرامی گماشته شده‌اند، می‌دانند آنچه را که شما عمل می‌کنید».

پس سعی کن در نامه­ی اعمالت جز آنچه که دوست می‌داری بدان خداوندت را ملاقات کنی نوشته نشود، چرا که آن جایگاهی بس دشوار و پرسشی بسیار گران است.

در خاتمه از خداوند کریم می‌خواهم با هدایت و توفیقی دایمی تا زمان ملاقات با حضرتش، من، شما و سایر مسلمانان را مورد منت قرار دهد.

وصلى الله وسلم وبارك على عبده ورسوله نبينا محمدٍ وعلى آله وصحبه أجمعين.

آثار ترک گناهان و معاصی

سبحان الله رب العالـمین، در ترک گناه و معاصی فوائد زیر برای شخص حاصل می‌شود.

1. به وجودآمدن صفت مردانگی و مروت.
2. پاسداری از شرف و ناموس.
3. حفظ جاه و موقعیت.
4. نگهداری‌کردن از مالی که خداوند آن را وسیله‌ای برای بپاداشتن مصالح دنیا و آخرت قرار داده است.
5. محبت مردم به او، و تأثیر کلام او در بین آنان.
6. زندگانی پاک و خوب و راحتی جسم.
7. قوت قلب و بهره‌ورشدن آن.
8. پاکی جان و دورن و فراخی سینه و دلگشایی.
9. در امان‌ماندن از شرارت و بدی انسان‌های فاسق و بدکار.
10. کم‌شدن و قلت ناراحتی و غم و اندوه.
11. عزت نفس و تحمل‌نکردن ذلت و خواری.
12. پاسداری نور قلب، از این که ظلمت معصیت آن را خاموش کند.
13. حصول راه چاره از تنگناها برایش، امری که برای فاسقان و فاجران غیر ممکن است.
14. آسان‌شدن رزق و روزی‌اش از جهتی که گمان نمی‌بُرد.
15. آسان‌آمدن آنچه بر صاحبان فسق و فجورگران می‌آید.
16. سهل و آسان‌شدن طاعات و عبادات بر او.
17. فراگیری علم بر او آسان می‌شود.
18. مردم به نکوئی او را یاد می‌کنند.
19. کثرت دعای خیر مردم برای او.
20. رخسارش حلاوت می‌یابد.
21. مهابتش در قلوب مردم می‌افتد.
22. هنگامی که مورد اذیت و ظلم واقع شود و مردم او را یاری و حمایت می‌کنند.
23. هنگامی که مورد غیبت قرار گیرد مردم از او دفاع می‌کنند.
24. دعاهایش به سرعت مورد اجابت قرار می‌گیرد.
25. زوال وحشتی که بین او و خداوند متعال است.
26. ملائکه به او نزدیک می‌شوند و شیاطین جن و انس از او دور.
27. مردم در خدمت‌کردن و برآورده‌کردن احتیاجاتش از همدیگر پیشی می‌گیرند.
28. مردم در طلب مودت و همنشینی‌اش برمی‌آیند.
29. از مرگ نمی‌هراسد، بلکه خوشحال می‌شود چرا که خداوند متعال را ملاقات می‌کند و به سویش باز می‌گردد.
30. دنیا در قلبش کوچک و آخرت در نظرش بزرگ می‌شود.
31. برای کسب آخرت و رستگاری عظیم آن، حرص و اصرار می‌ورزد.
32. حلاوت طاعت و شور وجد شیرینی ایمان را می‌چشد.
33. حاملان عرش الهی و ملائکه حول آن برای او دعای خیر می‌کنند.
34. کاتبین به او مسرور و شادمانند و برای او در هر وقتی دعاهای خیر می‌کنند.
35. عقل و فهم و ایمان و معرفت او زیاد می‌شود.
36. محبت خداوند متعال و اقبال الهی برایش حاصل می‌گردد.
37. خداوند متعال به توبه‌کردنش شادمان می‌شود.
38. و در نهایت خداوند متعال به سرور و شادمانی پاداشش می‌دهد که با سرور و شادمانی با معصیت و گناه به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

این‌ها از جمله آثار ترک گناه و معاصی در دنیا بودند اما:

1. هنگامی که دنیای فانی را وداع نمود ملائکه از جانب خداوند متعال بشارت بهشت را به او می‌دهند و این که دیگر هیچ خوف و حُزنی او را نیست.
2. از زندان دنیا و تنگی‌اش به روضه و باغی از باغ‌های بهشت منتقل می‌شود و تا در روز قیامت از نعمات آن بهره‌مند خواهد شد.
3. و هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد، مردمان عرق‌ریزان در زیر گرمای شدید قرار دارند و او زیر سایه عرش الهی است.
4. هنگامی که مردمان از حضور خداوند متعال و محاسبه برمی‌گردند به جانب راست و یمین کشیده خواهد شد و همراه أولیای با تقوای خداوند سبحان و حزب و دسته رستگار شده او خواهد بود.

﴿ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٤﴾

به نقل از کتاب «الفوائد» ابن القیم الجوزیه

1. - دین نصیحت است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. - امام بخاری روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. - «همانا نفس آدمی به شدت به بدی فرمان می‌دهد». [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح مسلم حدیث شمارۀ: 653. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سنن ابی داود حدیث شماره: 252. [↑](#footnote-ref-6)
7. - سند حدیث پیش از این ذکر شده است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - ابوداود و نسایی روایت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-8)
9. - بخاری و مسلم روایت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-9)
10. - امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-10)
11. - امام بخاری و مسلم روایت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-11)
12. - امام ترمذی روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. - امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-14)
15. - ابوداود روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - امام بخاری و امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-16)
17. - امام مسلم روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-17)
18. - ابوداود. [↑](#footnote-ref-18)